

وایشان در واقع رئیس کمیته‌ها است و دبیر فدراسیون در واقع دبیر دپارتمان‌ها و افرادی است که در داخل فدراسیون هستند. پس سیاست آنها با دبیر فدراسیون و رئیس کمیته‌های مختلف باریاست فدراسیون می‌باشد.

تشکیل شورای عالی فنی فدراسیون خلاف اساسنامه مصوب ۱۳۷۳ هیأت وزیران است، چون در فدراسیون فقط کمیته موضوعیت دارد و در آن کمیته هم فرد با تصویب اعضای هیأت رئیسه، منصوب می‌شود.

اینها واقعیت‌ها و گفته‌های یک حقوقدان برجسته ورزشی کشورمان است که مسئولان باید به این حرف‌های منطقی واکنش مناسب نشان دهند.

از زمانی که فدراسیون وزنه‌برداری فعلی بر سر کار آمده، سعی کرده که با تشکیل شورای، تمام تصمیم‌گیری‌ها را به دوش آن قرار داده و رئیس فدراسیون خود را از این مسائل مبرا کند و بگوید: این تصمیم‌ها را شورا گرفته است، اما در مقاطعی هم برخی از اعضای شورای عالی فنی روی برخی موارد تکیه کردند، با این وجود به گفته خودشان برخی تصمیمات و تو شده و رئیس فدراسیون هم اعلام کرده که ایشان این حق را برای خود قایل است که هر جا صلاح بدانند، در مسائل ورود پیدا کنند و نظرش را اعمال نماید که در نهایت موجب جدایی تعدادی از اعضای شورای عالی فنی از فدراسیون شده است که دکتور پورکیان، داود علی‌ملکی، حسین مقامی، مهدی عطار اشرفی و... از جمله این افراد می‌باشند. با وجود تمام این مسائل، شورا

آنچه که درون یک فدراسیون تعریف می‌شود، فقط کمیته است

تصمیماتی گرفته که متأسفانه تعدادی از آنها بسیار تنش‌زا بوده که می‌توان به مسئله حذف بهادر مولایی اشاره کرد که متأسفانه منجر به بیرون رفتن او از اردوی تیم ملی و متعاقب آن تصادف در جاده شمال و آسیب دیدگی شدید بهادر و فوت پدر بزرگ او شد. در آن مقطع تصمیم منطقی گرفته می‌شد، شاید وزنه‌برداری این همه خسارات جبران‌ناپذیر را نمی‌دید و می‌توانست به خوبی از آن مقطع عبور کند.

حال با تمام این ضرورت‌ها و زیان‌ها که وزنه‌داران این رشته مدال‌آور المپیک در قبال شورای عالی فنی متحمل شده، یکی از حقوق‌دانان برجسته ورزشی کشور اعلام می‌دارد، اصولاً تشکیل شورای عالی فنی خلاف قانون است و فدراسیون نمی‌باید چنین کاری را صورت می‌داد و تشکیل شورای مذکور و جبهت قانونی ندارد! این نظر کارشناسی، در واقع همان نظر دنیای ورزش بوده که بارها اعلام کردیم و متأسفانه به آن به دیده اصلاح نگریسته نشد و روند کاری‌ها و تصمیمات گرفته شده بر پایه این کار غیرقانونی تا به امروز همچنان ادامه یافته است. بر پایه تشکیل کاری که حالا غیرقانونی اعلام می‌شود، تصمیمات زیادی گرفته شده که در واقع همه آنها نیز غیرقانونی خواهد بود، زیرا شورایی غیرقانونی آنها را اتخاذ کرده است، حالا چه کسی می‌خواهد جوابگوی اموری این‌گونه باشد؟

این امر تازه در فدراسیونی به وقوع پیوسته که رئیس آن خود را یک فرد با تجربه و مدعی برای سمت‌های بسیار بالا نظیر رئیس فدراسیون جهانی، دبیر کل فدراسیون جهانی، دبیر کل وزنه‌برداری آسیا و... می‌داند، حالا در نظر بگیرید در فدراسیون‌هایی که رئیس آن کم‌تجربه‌تر است، چه مسائلی می‌گذرد که خدایمان دادند و...!

حالا این سؤال مطرح می‌شود که بر اساس گفته یکی از حقوق‌دانان، فدراسیون وزنه‌برداری ماه‌هاست که با تشکیل شورای عالی فنی مرتب خطای فاحشی شده است، دوستداران و اهالی وزنه‌برداری هم بارها عملکرد این شورا را نقد کرده و نسبت به آن اشکال داشته‌اند، اما روند حرکات بدون کوچکترین تغییر، ادامه یافته است؛ با توجه به این کارهای من‌درآوردی، واکنش دستگاه‌های، عریض و طویل وزارت ورزش و جوانان و دیگر نهادهای نظارتی در قبال این امور چه بوده است؟ چگونه آنها اجازه داده‌اند که در یک فدراسیون یک کار غیرقانونی صورت گیرد و آنها نیز دست روی دست بگذارند و همچنان نظاره‌گر مسائل باشند؟!

در حالی که هر دستگاه می‌باید به وظایف خود عمل کند و نظارت دقیق بر امور فدراسیون‌ها داشته باشد؛ اگر افراد به جهت عدم آشنایی با مسائل قانونی و یا به جهت بی‌تجربگی دست به چنین شیوه‌هایی می‌زنند، دستگاه‌های نظارتی و مطلع مگر نباید با ساختار غلط و غیرقانونی برخورد اصولی داشته باشند و به سرعت جلوی آنرا بگیرند. امور را به مجرای قانونی هدایت نمایند؟

وقتی فدراسیونی آمد و شورایی را تشکیل داده که بر اساس گفته یکی از حقوق‌دانان غیرقانونی بوده و باز هم نامش را تغییر داده و به عنوان شورای عالی فنی مطرح ساخته است و هر روز خواسته‌های این واژه‌های دهان‌پرکن در واقع موج‌سواری کند و متعاقب آن تصمیماتی گرفته شده که بر اساس گفته آقای نصیرزاده آن تصمیمات

کمیته‌ها باید توسط هیات رئیسه فدراسیون‌ها منصوب شوند

هم غیرقانونی است، چگونه دستگاه‌های نظارتی یا دقت نظر نداشته‌اند و یا به راحتی از کنارش عبور کرده‌اند تا این کار غیرقانونی همچنان ادامه پیدا کند؟...

این مسائل نشان می‌دهد که متأسفانه نظارت چندانی روی فدراسیون‌های مختلف نمی‌شود و اگر هم کارشناسان نسبت به آن ایراد می‌گیرند، باز هم دستگاه‌های نظارتی عنایت خاصی به این مسائل ندارند و... وقتی این مسائل را می‌بینیم به دوراندیشی فدراسیون سیدحسن طباطبایی در مواجهه با این مسائل افتخار می‌کنیم، زیرا همان موقع بسیاری بر این عقیده بودند که سرپرست فدراسیون باید شورای فنی را تشکیل دهد و از افراد صاحب‌نام دعوت به عمل آورد و آنها در مورد مسائل مختلف نظر بدهند و... ولی طباطبایی با دوراندیشی و منطقی‌زیربار مسائل نرفت و این کار را غیرقانونی دانست که بعد از گذشت سه سال یکی از حقوق‌دانان برجسته اعلام کرده که تشکیل شورای عالی فنی غیرقانونی است و جبهت قانونی ندارد و چه خوب است وزارت ورزش و جوانان به دور از توجه به نام‌ها و کسانی که خود را افراد با تجربه می‌دانند، کلاس‌های آموزش ضمن خدمتی دایر کرده و همه افراد و روسای فدراسیون‌ها را ملزم به گذراندن این کلاس‌ها کند تا آنها با ساختارهای فدراسیون‌های ملی آشنا شده و اینگونه خام عمل نشود، تا کارهای خلاف مقررات و قوانین نیز صورت نگیرد و اگر اقدامی در جایی می‌شود منطبق به امور قانونی باشد تا خدای ناکرده بر این همه تلاش‌ها و اقدامات انجام شده شبهه‌ای وارد نیاید.

